



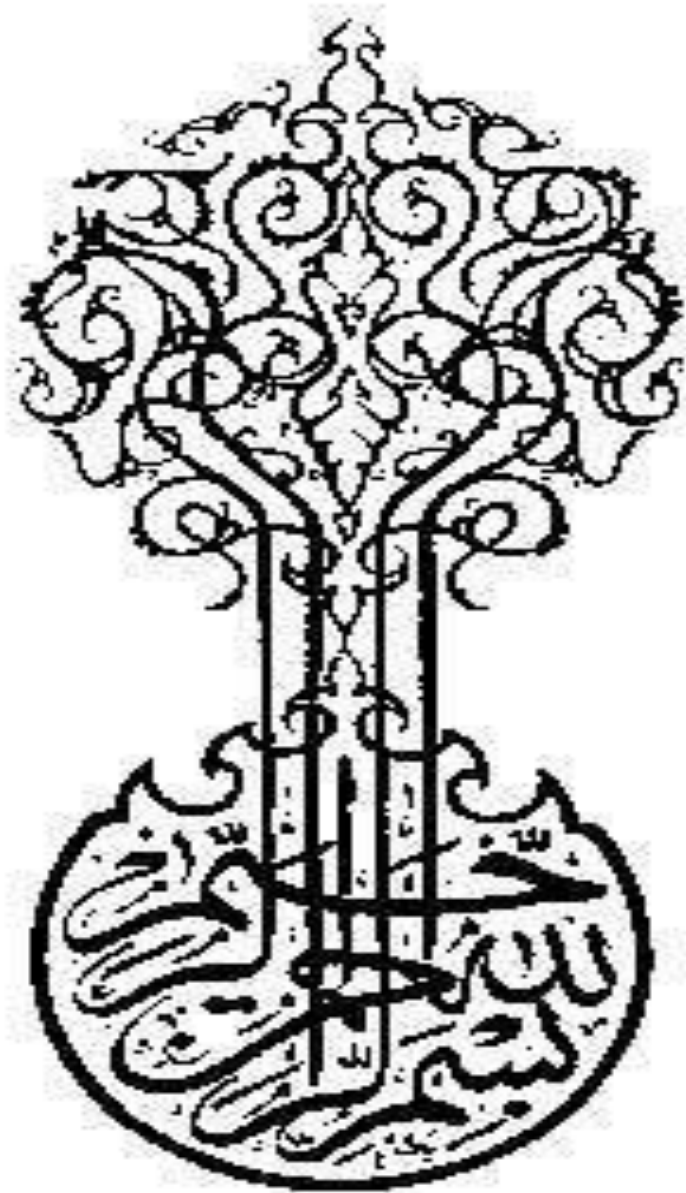
عنوان:

**ارزیابی ریسک‌های ژئوپلیتیک توسعه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران در نظم
منطقه‌ای از منظر مقام معظم رهبری (دامت برکاته)**

محقق: حجت الاسلام عباس قلی پور

**وابستگی سازمانی: [سپاه امام صادق علیه السلام – ناحیه مقاومت سپاه خاتم الانبیاء شهرستان
عسلویه – دفتر نمایندگی ولی فقیه]**

تاریخ تنظیم: ۱۴۰۴/۷/۵



چکیده:

این پژوهش با هدف بررسی پیامدها و مخاطرات ژئوپلیتیکی برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران در بستر منطقه‌ای خاورمیانه انجام شده است. تمرکز اصلی تحقیق بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) قرار دارد. در چارچوب فکری ایشان، دستیابی به فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز نه تنها یک حق قانونی بر پایه معاهداتی مانند NPT محسوب می‌شود، بلکه ابزاری راهبردی برای تحقق استقلال ملی، افزایش توان بازدارندگی در برابر تهدیدات و تثبیت موقعیت ایران به‌عنوان محور مقاومت در برابر سلطه‌طلبی قدرت‌های جهانی تلقی می‌گردد.

این مطالعه با بهره‌گیری از روش کیفی و تحلیل مضمون، و با اتکا به منابع اسنادی گسترده شامل بیانات، سخنرانی‌ها و فتاوی رهبری، نشان می‌دهد که گفتمان «مقاومت» به‌عنوان چارچوب مفهومی غالب، نقش تعیین‌کننده‌ای در نحوه مواجهه ایران با چالش‌هایی نظیر رقابت‌های امنیتی فزاینده، تحریم‌های بین‌المللی و نگرانی‌ها از تسلیحاتی شدن منطقه ایفا می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن‌اند که نگاه راهبردی ایران به این ریسک‌ها، نه به‌عنوان موانع، بلکه به‌عنوان هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر در مسیر دستیابی به اقتدار فناورانه، استقلال از وابستگی و حفظ هویت اسلامی مستقل تعریف می‌شود.

کلمات کلیدی: ایران، برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز، ریسک ژئوپلیتیک، مقام معظم رهبری، نظم منطقه‌ای، گفتمان مقاومت، امنیت بین‌الملل.

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز، در چند دهه اخیر به یکی از کانونی‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است. این برنامه که از سوی ایران حقی ذاتی مبتنی بر معاهدات بین‌المللی به‌ویژه NPT و نمادی از حاکمیت ملی و عزت علمی-فناورانه تلقی می‌شود، از سوی برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به مثابه تهدیدی برای ثبات و توازن قدرت در خاورمیانه تفسیر گردیده و ریسک‌های ژئوپلیتیک عمیقی را به همراه آورده است. با این حال، تحلیل ژرف‌نگرانه از این پدیده پیچیده، مستلزم عبور از روایت‌های سطحی و توجه به لایه‌های بنیادین شکل‌دهنده به سیاست هسته‌ای ایران است؛ لایه‌هایی که ریشه در جهان‌بینی، ایدئولوژی و گفتمان مسلط بر ساختار تصمیم‌گیری این کشور دارد.

در این میان، نقش و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، به عنوان عالی‌ترین مرجع سیاست‌ساز و تصمیم‌گیر در کلان‌راهبردهای جمهوری اسلامی ایران، از اهمیتی کانونی و تعیین‌کننده برخوردار است. ایشان با تأکید مکرر بر صلح‌آمیز بودن ذاتی برنامه هسته‌ای ایران و صدور فتوای تاریخی مبنی بر حرام بودن تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای، خط مشی اصلی و غیرقابل تغییر کشور در این عرصه را ترسیم نموده‌اند. از منظر ایشان، این برنامه در چارچوب کلان‌تر گفتمان «مقاومت»، «استقلال» و «عزت ملی» معنا می‌یابد و ابزاری راهبردی برای شکستن انحصار علمی-تکنولوژیک نظام سلطه و مقابله با فشارهای هژمونیک آنان قلمداد می‌گردد. این نگاه، موضع ایران را فراتر از یک مناقشه فنی یا دیپلماتیک، به تقابلی ایدئولوژیک-تمدنی ارتقا می‌دهد که تحلیل ریسک‌های ژئوپلیتیک ناشی از آن را بسیار پیچیده و نیازمند چارچوب‌های تحلیلی ترکیبی و بومی می‌سازد.

۱-۲. اهداف پژوهش

هدف اصلی این مقاله، ارزیابی نظام‌مند ریسک‌های ژئوپلیتیک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران در نظم منطقه‌ای خاورمیانه، با تمرکز ویژه و بی‌بدیل بر نقش و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری به عنوان متغیر توضیحی مرکزی است. اهداف فرعی پژوهش عبارتند از:

- واکاوی ابعاد مختلف ریسک‌های ژئوپلیتیک (امنیتی-نظامی، سیاسی-دیپلماتیک، هویتی-ایدئولوژیک) از خلال بیانات و مواضع رهبری.

- تبیین چگونگی تأثیرگذاری گفتمان مقاومت در شکل‌دهی به محاسبات راهبردی ایران و سطح پذیرش ریسک‌های ژئوپلیتیک.

- شناسایی شکاف‌های پژوهشی موجود و ارائه راهکارهایی برای مطالعات آینده.

۱-۳. سؤالات پژوهش

۱- دیدگاه مقام معظم رهبری چگونه چارچوب سیاست هسته‌ای ایران و ارزیابی آن از ریسک‌های ژئوپلیتیک مرتبط را شکل می‌دهد؟

۲- مهم‌ترین ریسک‌های ژئوپلیتیک برجسته‌شده در ادبیات موجود ناشی از برنامه هسته‌ای ایران چیست و چگونه با نقش رهبری پیوند می‌خورند؟

۳- شکاف‌های اصلی پژوهشی در تحلیل این موضوع با محوریت نقش رهبری کدامند؟

۴-۱. روش‌شناسی

این پژوهش با رویکردی کیفی و با بهره‌گیری از روش «تحلیل مضمون» انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، متون علمی (مقالات، کتب)، گزارش‌های تحلیلی مراکز مطالعاتی و به‌ویژه منابع اولیه‌ای شامل سخنرانی‌ها، بیانات، پیام‌ها و فتاوی‌ای مقام معظم رهبری است که با نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس ارتباط مستقیم با موضوع و اعتبار علمی انتخاب شده‌اند. داده‌ها پس از گردآوری، کدگذاری و طبقه‌بندی شده و در نهایت مضامین اصلی استخراج و تحلیل شده‌اند.

۲. چارچوب نظری: تلفیق رئالیسم، سازه‌انگاری و گفتمان مقاومت

برای تحلیل جامع ریسک‌های ژئوپلیتیک برنامه هسته‌ای ایران، بهره‌گیری از یک چارچوب نظری تک‌بعدی و صرفاً مبتنی بر پارادایم‌های غربی ناکافی است. این پژوهش با اتکا به چارچوبی ترکیبی و بومی‌شده، سعی در فهم پیچیدگی‌های موضوع دارد.

۲-۱. منطق رئالیستی و موازنه قدرت

از منظر رئالیسم تهاجمی، دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای را می‌توان تلاشی عقلانی برای افزایش قدرت ملی، ایجاد بازدارندگی و موازنه در برابر تهدیدات محیطی به‌ویژه از سوی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی تفسیر کرد (میرشایمر، ۲۰۰۱). در این نگاه، ریسک‌های ژئوپلیتیک ذاتی چنین حرکتی، نظیر تشدید مسابقه تسلیحاتی و شکل‌گیری اتحادهای متقابل، امری اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. با این حال، رئالیسم به تنهایی قادر به تبیین اصرار ایران بر حفظ این برنامه علی‌رغم تحمل هزینه‌های سنگین تحریم و فشارهای بین‌المللی نیست.

۲-۲. نقش سازه‌انگاران ایدئولوژی و هویت

سازه‌انگاری با تأکید بر نقش هویت، ایدئولوژی و هنجارها، این خلأ را پر می‌کند. بر این اساس، منافع ملی اموری عینی و از پیش تعیین‌شده نبوده، بلکه برساخته‌ای از هویت، فرهنگ و گفتمان‌های مسلط در یک کشور هستند (وندت، ۱۹۹۹). گفتمان «مقاومت» که توسط مقام معظم رهبری به کانون هویت‌سازی راهبردی جمهوری

اسلامی تبدیل شده، نقشی تعیین کننده در شکل دهی به منافع ملی ایران ایفا می کند. این گفتمان ریشه در مبانی دینی دارد؛ چنانچه قرآن کریم می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (و برای مقابله با آنان [دشمنان] هر چه در توان دارید از نیرو آماده سازید) (انفال، ۶۰). این آیه، آمادگی و کسب قدرت را نه تنها جایز، که وظیفه‌ای دینی می‌شمرد. رهبری با استناد به چنین مبانی، با تأکید بر اینکه «عزت، امنیت و منافع ملی ما در گرو مقاومت است» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۶)، صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای را نه یک تاکتیک موقت، بلکه بخشی جدایی ناپذیر از هویت «مقاومت جویانه» نظام می‌دانند که عقب‌نشینی از آن به منزله تضعیف هویت و اقتدار نظام تفسیر می‌شود. امام علی (ع) نیز در بیان اهمیت عزت می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْإِذْعَانَ بِالذُّلِّ فَإِنَّهُ أَحَدُ الْحَسْرَتَيْنِ» (بپرهیز از تن دادن به ذلت، چرا که ذلت یکی از دو حسرت [بزرگ] است) (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۴۷). بنابراین، هزینه‌های ژئوپلیتیک در این چارچوب، نه به عنوان عاملی بازدارنده، بلکه به عنوان «بهای ضروری» برای حفظ هویت، عزت و دستیابی به اهداف بلندمدت راهبردی قلمداد می‌شود.

۳-۲. نقش بی‌بدیل رهبری در ساختار ولایت فقیه

درک جایگاه کانونی مقام معظم رهبری در این تحلیل، مستلزم فهم ساختار سیاسی مبتنی بر «ولایت فقیه» است. بر اساس این اصل، رهبری نه تنها عالی‌ترین مقام اجرایی و فرماندهی کل قواست، بلکه مبین و مجری کلمه طیبه ایدئولوژی نظام نیز هست (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۱۰۷ و ۱۱۰). این جایگاه، به مواضع ایشان در حوزه‌های حساس مانند هسته‌ای، وزن و اعتباری فراتر از یک دیدگاه کارشناسی معمول می‌بخشد و آن را به خط مشی غیرقابل تغییر نظام تبدیل می‌کند.

۳. مرور ادبیات و پیشینه پژوهش

ادبیات موجود در مورد برنامه هسته‌ای ایران از لحاظ حجم و تنوع دیدگاه‌های تحلیلی بسیار غنی است، اما با نگاهی دقیق‌تر می‌توان دریافت که تمرکز خاص بر نقش محوری و تعیین‌کننده مقام معظم رهبری (مدّ ظلّه العالی) به عنوان متغیر مستقل و مؤلفه‌ای کلیدی در شکل‌دهی به راهبرد هسته‌ای کشور، نسبتاً محدود و در حاشیه قرار دارد. اکثر پژوهش‌های انجام‌شده، به‌ویژه در غرب، این موضوع را عمدتاً از منظر روابط بین‌الملل، موازنه قوا و تحولات ژئوپلیتیک مورد بررسی قرار داده‌اند.

مطالعاتی که با رویکرد واقع‌گرایانه (Realism) به این موضوع پرداخته‌اند، همچون آثار «کنت والتز» (۲۰۱۲) و «جان میر شایمر» (۲۰۰۱)، بر این مفهوم تأکید دارند که دستیابی به فناوری هسته‌ای برای ایران، امری اجتناب‌ناپذیر در چارچوب تلاش برای افزایش قدرت ملی و ایجاد موازنه در برابر تهدیدات محیطی، به‌ویژه از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی، است. در این نگاه، ریسک‌های ژئوپلیتیک ذاتی چنین مسیری، مانند تشدید مسابقه تسلیحاتی، امری طبیعی تلقی می‌شود. با این حال، این دیدگاه به‌تنهایی قادر به تبیین علل اصرار ایران بر حفظ این برنامه، علیرغم تحمیل هزینه‌های سنگین تحریم و فشارهای بین‌المللی، نیست.

در مقابل، رویکردهای لیبرال و نهادگرا، مانند دیدگاه «اسکات ساگان» (۱۹۹۶)، بر نقش رژیم‌های بین‌المللی مانند NPT و سازمان انرژی اتمی در مهار برنامه‌های هسته‌ای تمرکز دارند و شکست مذاکرات را ناشی از نقض تعهدات از سوی ایران یا عدم اعتماد بین‌المللی می‌دانند. این دسته از مطالعات نیز اغلب از تحلیل بسترهای ایدئولوژیک و هویتی داخلی مؤثر بر تصمیم‌سازی در ایران غافل مانده‌اند.

برخی پژوهش‌های متأخر، با بهره‌گیری از رهیافت سازه‌انگاری - (Constructivism) همانند آثار «الکساندر ونت» (۱۹۹۹) - گامی فراتر نهاده و بر نقش هویت، ایدئولوژی و گفتمان‌های مسلط در شکل‌دهی به منافع ملی تأکید می‌ورزند. برای مثال، «آراش احتشامی» (۲۰۱۷) به حالت «گیرافتادگی» (Trapped) «ایران بین الزامات ایدئولوژیک انقلاب و ضرورت‌های عمل‌گرایانه در نظام بین‌الملل اشاره می‌کند. همچنین، «ادیب‌مقدم» (۲۰۲۲)

برساخت گفتمان «غرب‌ستیزی آگاهانه» و «بازگشت به خویش‌تن تمدنی» را به عنوان عوامل تأثیرگذار تحلیل می‌کند. با این وجود، حتی در اینگونه آثار نیز، نقش مستقیم و روزآمد بیانات، رهنمودها و فتاوی مقام معظم رهبری به عنوان عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیرنده، آن‌چنان که باید، مورد واکاوی نظام‌مند و عمیق قرار نگرفته است.

این شکاف پژوهشی زمانی پررنگ‌تر می‌شود که به مرکزیت گفتمان «مقاومت» در کلام رهبری توجه کنیم. ایشان به کرات تأکید فرموده‌اند که «مسئله هسته‌ای، امروز یک نماد است؛ نماد پیشرفت علمی، نماد عزت ملی، نماد عدم تسلیم در برابر زورگویی مستکبران» (بیانات در جمع مردم تبریز، ۱۳۹۲). اینجاست که ادبیات موجود از پاسخ به این پرسش اساسی ناتوان می‌ماند که چگونه این «نماد» بودن، معادلات عقلانی مرسوم در محاسبه هزینه-فایده ریسک‌های ژئوپلیتیک را در سپهر تصمیم‌گیری ایران دگرگون ساخته است. بنابراین، این مقاله در پی آن است تا با قرار دادن دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در کانون تحلیل، خلأ موجود در ادبیات پیشین را پر کند و نشان دهد که چرا و چگونه «گفتمان مقاومت» نه یک شعار سیاسی، بلکه چارچوبی تحلیلی برای فهم رفتار منطق‌گرای (در نگاه غرب) ایران در پرونده هسته‌ای است.

۱-۳. ایدئولوژی رهبری و سیاست هسته‌ای

بخش قابل توجهی از ادبیات، به تحلیل تأثیر ایدئولوژی بر سیاست خارجی ایران پرداخته است. پژوهش‌گرانی مانند آرش احتشامی (۲۰۱۷) بر این باورند که جمهوری اسلامی همواره در حالی از «گیرافتادگی» بین ضرورت‌های عمل‌گرایانه بین‌المللی و الزامات ایدئولوژیک انقلاب بوده است. اما آنچه در تحلیل مواضع مقام معظم رهبری بارز است، تلاش برای تلفیق این دو وجه است. از دیدگاه ایشان، پیگیری حقوق هسته‌ای، هم‌زمان هم عملی کاملاً عقلانی بر اساس منافع ملی (دسترسی به انرژی و فناوری) است و هم عملی معنادار در چارچوب ارزش‌های ایدئولوژیک (مقاومت در برابر زورگویی و تحقق استقلال). این نگاه، پاسخ ایران به ریسک افزایش تحریم‌ها را نه عقب‌نشینی، بلکه «مقاومت فعال» و «فعالیت در متن تحریم» شکل داده است. مطالعه‌ای توسط ادیب‌مقدم (۲۰۲۲) با عنوان «ایران چیست؟» به خوبی نشان می‌دهد که چگونه گفتمان «غرب‌ستیزی آگاهانه» و «بازگشت به خویش‌تن تمدنی» که توسط رهبری تبیین می‌شود، برنامه هسته‌ای را از یک پروژه فنی به یک نماد هویتی تبدیل کرده است. به عبارت دیگر، عقب‌نشینی در این حوزه، نه یک شکست دیپلماتیک، بلکه یک

شکست هویتی تفسیر می‌شود. این امر، هزینه‌پذیری بالای ایران در مواجهه با ریسک‌های ژئوپلیتیک را توضیح می‌دهد.

۲-۳. پویایی‌های قدرت منطقه‌ای و بازتاب برنامه هسته‌ای

ادبیات مربوط به امنیت خاورمیانه به طور گسترده به تأثیر برنامه هسته‌ای ایران بر معادلات منطقه‌ای پرداخته است. از منظر رئالیستی، ایران به عنوان یک قدرت مرکزگریز (Revisionist Power) تلقی می‌شود که در پی تغییر وضع موجود به نفع خود است (والت، ۲۰۱۸). در این چارچوب، پیشرفت‌های هسته‌ای ایران، یک شوک به سیستم امنیتی منطقه وارد کرده و واکنش‌های متعددی را برانگیخته است. عربستان سعودی این پیشرفت‌ها را تهدیدی وجودی برای هژمونی منطقه‌ای خود تفسیر کرده و به دنبال موازنه سخت از طریق تقویت توانمندی‌های نظامی و کوشش برای دستیابی به چتر اتمی بالقوه بوده است (سنگر و براد، ۲۰۲۱). رژیم صهیونیستی نیز با خوانشی کاملاً امنیتی-وجودی، به رویکرد تهاجمی‌تری شامل ترور دانشمندان، خرابکاری‌های سایبری و تهدید به حمله نظامی روی آورده است (برگمن، ۲۰۱۸). در مقابل، تحلیل‌های مبتنی بر دیدگاه رهبری، این واکنش‌ها را نه ناشی از ماهیت صلح‌آمیز برنامه ایران، بلکه محصول اراده قدرت‌های بزرگ برای مهار ایران و جلوگیری از ظهور یک قطب مستقل در منطقه می‌دانند. ایشان تصریح می‌کنند: «دشمنی آنان با انرژی هسته‌ای ما، به خاطر خود انرژی هسته‌ای نیست، به خاطر این است که ایران قدرتمند را نمی‌خواهند» (بیانات در حرم امام رضا (ع)، ۱۳۹۳).

۴. تحلیل و بحث

این بخش به عنوان هسته مرکزی مقاله، به تلفیق یافته‌های بخش‌های پیشین، نقد و تحلیل عمیق‌تر و پاسخگویی به سوالات تحقیق می‌پردازد.

۴-۱. تبیین پارادوکس ظاهری: صلح‌آمیز بودن در کنار اصرار بر چرخه سوخت

یکی از وجوه پیچیده تحلیل، پارادوکس ظاهری در مواضع ایران است: از یک سو تأکید قاطع بر صلح‌آمیز بودن برنامه و استناد به فتوای حرام بودن سلاح هسته‌ای، و از سوی دیگر اصرار بر توسعه کامل چرخه سوخت که از منظر غرب حساسیت‌برانگیز است. تحلیل مبتنی بر دیدگاه رهبری نشان می‌دهد که این یک پارادوکس واقعی نیست، بلکه ناشی از دو سطح متفاوت از تحلیل است. در سطح اول (صلح‌آمیز بودن)، ایران در پی کاهش ریسک تکثیر سلاح و مشروعیت‌زدایی از اتهامات دشمن است. در سطح دوم (حق غنی‌سازی)، مسئله بر سر «حفظ حق حاکمیتی» و «شکستن انحصار تکنولوژیک» است که خود بخشی از استراتژی بزرگ‌تر مقاومت است. به عبارت دیگر، فتوای حرام بودن سلاح، هزینه ایدئولوژیک حرکت به سمت تسلیحات را برای نظام افزایش می‌دهد، اما توسعه چرخه کامل سوخت، تضمین‌کننده دستیابی به استقلال تکنولوژیک و توان بازدارندگی غیرمستقیم است. این دقیقاً همان نقطه تلاقی منطق رئالیستی (کسب قدرت و امنیت) و منطق سازه‌انگاران (حفظ هویت و عزت) است که در گفتمان مقاومت رهبری تلفیق شده است. به بیان دیگر، فتوای حرام بودن سلاح هسته‌ای، نشان‌دهنده التزام اخلاقی و دینی ایران به صلح است، اما دستیابی به چرخه کامل سوخت، نماد «عزت علمی» و «امنیت نرم» در برابر فشارهای خارجی است. این دو وجه، در گفتمان مقاومت رهبری به صورت هماهنگ و مکمل تعریف شده و هیچ تعارضی بین آنها وجود ندارد. این موضع را می‌توان با مفهوم «قدرت نرم اخلاقی» نیز تحلیل کرد که در آن، ایران با اتکا به فتوای مذهبی، سعی در کسب مشروعیت و تفوق اخلاقی در برابر منتقدان خود دارد.

۴-۲. ریسک‌های ژئوپلیتیک در چارچوب گفتمان مقاومت: هزینه یا فرصت؟

در چارچوب گفتمان مسلط رهبری، ریسک‌های ژئوپلیتیک نه تنها تهدید محض نیستند، بلکه در مواردی به «فرصت‌های هویت‌ساز» تبدیل می‌شوند. تحریم‌های شدید بین‌المللی، اگرچه فشار اقتصادی قابل توجهی وارد کرده‌اند، اما در گفتمان رسمی به عنوان «موتور محرک خودکفایی» و «عامل انسجام ملی» در برابر دشمن خارجی بازتعریف شده‌اند. رهبری با عبارت «تحریم‌ها را به فرصت تبدیل کنید» به ترویج این خوانش می‌پردازند.

به همین ترتیب، تهدیدات نظامی رژیم صهیونیستی، نه به عنوان عاملی برای عقب‌نشینی، که به عنوان دلیلی برای اثبات ضرورت تقویت توان دفاعی و بازدارندگی ایران ارائه می‌شود. این بازتعریف از تهدید به فرصت، سطح تحمل ریسک‌های ژئوپلیتیک را در سیستم تصمیم‌گیری ایران به نحو چشمگیری افزایش می‌دهد و توضیح می‌دهد چرا محاسبات مرسوم غربی در پیش‌بینی رفتار ایران غالباً ناکام می‌مانند. این نگاه، مصداق روایتی از امام صادق (ع) است که می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَصَابَهُ بِالْبَلَاءِ» (هنگامی که خداوند خیر و صلاح بنده‌ای را اراده کند، او را به بلائی دچار می‌سازد) (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۲۵۳)، که اشاره به تبدیل مصائب به فرصت‌های رشد دارد.

۳-۴. نقش رهبری در مدیریت ریسک: از اصول ثابت تا تاکتیک‌های منعطف

تحلیل مواضع رهبری نشان می‌دهد که اگرچه اصول کلان (مانند حق هسته‌ای و مقاومت در برابر فشار) کاملاً ثابت و غیرقابل مذاکره است، اما در سطح تاکتیک‌ها و ابزارهای دیپلماتیک، انعطاف‌پذیری وجود دارد. مشارکت در مذاکرات برجام نمونه‌ای از این انعطاف‌پذیری تاکتیکی برای کاهش موقت ریسک‌های ژئوپلیتیک (مانند تحریم‌ها و تهدید جنگ) بود، در حالی که همواره بر حفظ دستاوردهای هسته‌ای تأکید می‌شد. با خروج آمریکا از برجام، گفتمان «عزم جهادی» و «فعالیت در متن تحریم» با قدرت بیشتری احیا شد. این مدیریت دو سطحی (اصول ثابت و تاکتیک‌های منعطف) توسط رهبری، نشان‌دهنده درکی پیچیده از ریسک‌های ژئوپلیتیک است که در آن، حفظ هویت و اصول راهبردی در بلندمدت، اولویتی مطلق بر کاهش هزینه‌های کوتاه‌مدت دارد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش نشان داد که ارزیابی ریسک‌های ژئوپلیتیک برنامه هسته‌ای ایران، بدون فهم ژرفای گفتمان «مقاومت» که توسط مقام معظم رهبری تقویت و هدایت می‌شود، ناتمام است. در این چارچوب، ریسک‌هایی چون تشدید رقابت تسلیحاتی، تحریم‌های بین‌المللی و تهدیدات امنیتی، نه به عنوان موانع بازدارنده، بلکه به عنوان هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر مسیر دستیابی به اهداف بلندمدت استقلال، عزت و قدرت ملی تفسیر می‌شوند. فتوای صریح رهبری در حرام بودن سلاح هسته‌ای، اگرچه ابزاری برای کاهش ریسک تکثیر تسلیحات است، اما اصرار بر توسعه چرخه کامل سوخت، ناشی از اولویت دادن به شکستن انحصار تکنولوژیک و حفظ حق حاکمیتی است. این موضع‌گیری، ریشه در درکی دارد که هرگونه عقب‌نشینی در برابر فشار خارجی را بزرگ‌ترین تهدید برای هویت و امنیت وجودی نظام می‌داند.

۵-۱. پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده:

۱. تحلیل گفتمان سیستماتیک: انجام تحلیل گفتمان عمیق‌تر بر روی بیانیه‌ها و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری و نهادهای کلیدی برای درک بهتر فرآیندهای داخلی ارزیابی ریسک.
 ۲. مطالعات طولی: بررسی روند تحول مواضع ایران و رویکرد رهبری در دوره‌های مختلف (پیش و پس از برجام) برای شناسایی الگوهای ثابت و متغیر در محاسبات راهبردی.
 ۳. مطالعه تطبیقی: مقایسه نقش رهبری ایران در پرونده هسته‌ای با نقش رهبران در کشورهای دارای برنامه‌های حساس (مانند کره شمالی) برای تشخیص وجوه اشتراک و افتراق.
 ۴. بررسی نقش نهادهای غیردولتی: واکاوی تأثیر نهادهای علمی، رسانه‌ها و افکار عمومی ایران در تقویت یا تعدیل گفتمان مسلط.
- در نهایت، این پژوهش تأکید می‌کند که برنامه هسته‌ای ایران عرصه‌ای است که در آن منطق قدرت، ایدئولوژی و هویت درهم می‌آمیزند و تحلیل آن مستلزم به کارگیری چارچوب‌های نظری ترکیبی و توجه جدی به منابع و گفتمان‌های بومی است.

منابع

الف) منابع فارسی:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). اصول کافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۰). بیانات در جمع کارگران. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
۵. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). بیانات در دیدار دانشجویان. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
۶. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۳). بیانات در حرم امام رضا (ع). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
۷. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۶). بیانات در دیدار مردم قم. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
۸. خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۴). بیانات با ملت ایران از رسانه ملی. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. ادیب‌مقدم، الف. (۱۴۰۱). ایران چیست؟ (ترجمه فارسی). تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. احتشامی، آراش. (۱۳۹۶). ایران: گیرافتاده در گذار (ترجمه فارسی). تهران: نشر نی.
۱۲. نهج البلاغه.

ب) منابع لاتین:

- ۱- برگمن، ر. (۲۰۱۸). برخی‌ز و اول بکش: تاریخ پنهان ترورهای هدفمند اسرائیل. انتشارات رندوم هاوس.
- ۲- مرشایمر، جی. جی. (۲۰۰۱). تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ. انتشارات دبلیو. دبلیو. نورتون و شرکا.
- ۳- سنگر، دی. ای.، و براد، دبلیو. جی. (۲۰۲۱، ۳ مارس). عربستان سعودی می‌خواهد اورانیوم غنی کند. ایالات متحده می‌خواهد حرفی برای گفتن داشته باشد. نیویورک تایمز.
- ۴- والت، اس. ام. (۲۰۱۸). جهنم نیات خوب: نخبگان سیاست خارجی آمریکا و افول برتری ایالات متحده. انتشارات فرار، اشتراوس و ژيرو.
- ۵- وندت، آ. (۱۹۹۹). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. انتشارات دانشگاه کمبریج.